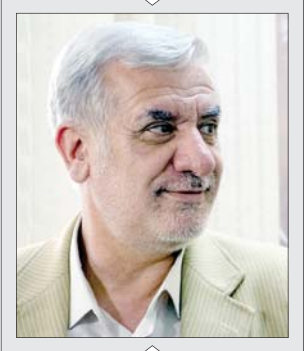
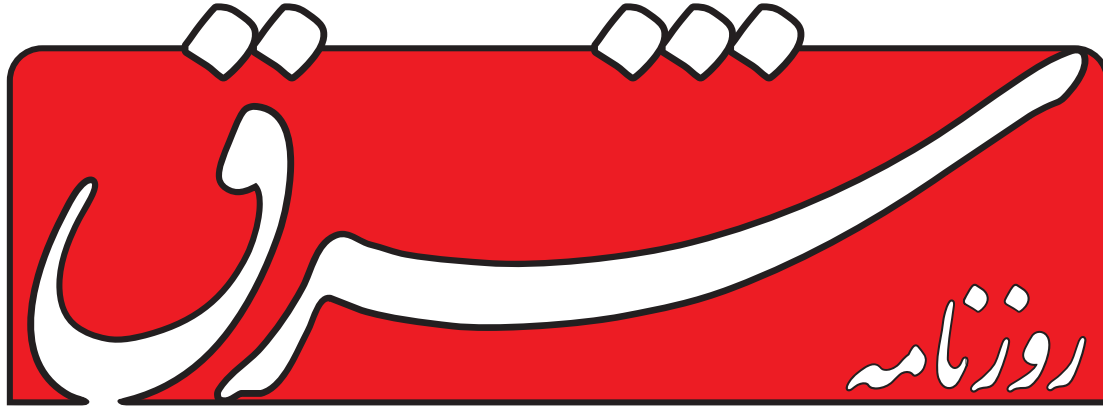




احمد غلامی

شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۳  
۱۱ شوال ۱۴۴۵  
۲۰ آوریل ۲۰۲۴  
سال بیست و یکم  
شماره ۴۸۱۳  
۲۰ هزار تومان  
صفحه ۱۲



گفت و گو با جمالی نوبندگان درباره دور جدید تحریم‌ها و به موازات آن ادعای حمله اسرائیل به ایران

همه چیز تمام شد؟

در «شرق» امروز می‌خوانید: گزارش «شرق» از یک روز حضور در جمع جوانان و بررسی میزان مصرف سیگار در بین آنها • بوستان قیصریه پارک باستان-زلزله‌شناسی ایران است

برخوردهای گشت ارشاد در طرح نور به تذکر جدی برای برخی از مسئولان ختم شد

# برخوردهای بی‌قاعدہ

رئیس قوه قضائیه: قطعاً ما نمی‌خواهیم هر فرد کم‌توجه به قوانین در کف خیابان را کیفر کنیم



## رنجامه‌های صنعت

گزارشی از نامه‌نگاری‌های سرگشاده فعالان اقتصادی به مدیران دولتی برای هشدار درباره وضع ناخوشایند تولید

این گزارش را در صفحه ۴ بخوانید. عکس: علی حامد حق دوست، ایرنا

یادداشت

## کام دشمنان ایران را شیرین نکنیم



مهررداد احمدی شیخانی

کرده؛ ولی با سخنانی که در همان ایام از سوی برخی مسئولان و از جمله ریاست محترم قوه قضائیه بیان شد، این گمان را تقویت می‌کرد که نگرش جدیدی به موضوع حجاب و انتخاب پوشش در ساختار کشور پدید آمده باشد؛ به‌ویژه آنکه با عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی و ضرورت سپه‌مرد کردن جامعه در حل بحران‌هایی که هر روز گسترده‌تر می‌شد، این ضرورت بیشتر به چشم می‌خورد. با وجود این، با فروکش کردن اعتراضات، از ابتدای سال گذشته، برخی به این تصمیم رسیدند که باید تلاش کرد تا وضعیت حجاب بانوان به دوران ریاست جمهوری دولت روحانی برگردد؛ چراکه شاید این پذیرفتنی نبود که حجابی که ۴۰ سال بر آن تأکید می‌شد، در دوره‌ای کنار گذاشته شود که بیش از هر دوره دیگری ادعای اسلامی بودن داشت و احتمالاً همین موضوع، این دولت را تحت فشار قرار می‌داد که چرا در دولت‌هایی که متهم به غربی‌زدگی بودند، بالاخره حجاب در هر وضعیتی حفظ شده بود؛ ولی در دولتی که بیش از همه دولت‌های پیشین به تقید خود به اسلام مباحثات می‌کرد، حجاب که مهم‌ترین نشانه اسلامی بودن این چهل و چندساله بود، برافتاد؛ تا آنجا که کار به لایحه حجاب و عفاف در مجلس انقلابی رسید که فعلاً به سد شوریای نگهبان خورده؛ اما از ابتدای اسفند تاکنون شاهد بازگشت «گشت ارشاد» هستیم که حقوق دانان درباره قانونی بودن آنچه امروز در برخورد با موضوع حجاب در جامعه می‌گذرد، سخنان بسیاری می‌گویند؛ آن هم زمانی که با رخدادهای این ایام در غرب آسیا، کشور بیش از هر زمان دیگر نیازمند وحدت ملی است و برعکس وقایع آن روزهای ابتدای جنگ تحمیلی که تقریباً چندان کسی از آن باخبر نشد، اتفاقات امروز در بین بخشی از جامعه، حتی بازتابی بیشتر از آنچه این روزها در منطقه می‌گذرد، یافته است. من واقعاً نمی‌دانم مقصود از این رخداد یا آنچه در هفته گذشته در نماز جمعه و پس از ماجرای باغ اژگل گذشت چیست؛ ولی هرچه هست، به کام مخالفان ایران شیرین‌تر آمده است.

از خاطرات هشت‌ساله دفاع در مقابل تهاجم ارتش عراق، بسیار نقل شده؛ ولی برخی خاطرات جنگ چنان است که بسیار سعی می‌کنیم چیزی درباره آن نگوییم؛ به‌طوری‌که این قسمت از خاطرات در پرده‌ای از فراموشی قرار گرفته و جز معدودی از بازماندگان آن ایام، کسی از این بخش از وقایع و حاشیه‌های جنگ، اطلاعی ندارد؛ چراکه این بخش آن‌قدر تلخ است و برخی شاید چنان مایه خجالت، که نقل آنها دلخراش‌تر از هر چیزی است. برای همین احتمالاً سعی می‌کنیم هر طور هست، آنها را فراموش کنیم و چیزی از آن نگوییم؛ اما من به نوبه خود بر این گمانم که نقل این بخش از وقایع آن ایام، حتی اگر مایه شرمساری باشد، نباید فراموش شود؛ چراکه یادآوری آنها می‌تواند حتی آموزنده‌تر از بسیاری دیگر از خاطرات جنگ باشد. برای همین در این سال‌ها، گاهی با یادآوری این بخش از وقایع فراموش شده یا بهتر است بگویم به عمد فراموش شده، تلاش کرده‌ام تا از نقل آنها هشدار سازم برای امروزمان. از این رو وقتی به خاطرات سال‌های قبل برمی‌گردم، غیر از رشادت‌ها، تلخ‌ترین اتفاقات آن هشت سال را نیز در ذهن خود مرور می‌کنم و برای من و امثال من یکی از تلخ‌ترین خاطرات آن ایام، اتفاقی بود که برای بعضی آوارگان جنگ تحمیلی در روزها و ماه‌های ابتدایی آن جنگ هشت‌ساله رخ داد. وقتی پس از سقوط خرمشهر، از محاصره آبادان گذشتم (که شرح بسیار مختصرش را قبلاً نوشته‌ام) و به تهران رسیدم، با آنکه بسیار جوان بودم، پس از مدت کوتاهی برای کمک به ساماندهی آوارگان جنگی، در زمان نخست‌وزیری شهید رجایی، در ساختمان نخست‌وزیری دعوت به همکاری شدم (که بعدها از دل آن بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی بیرون آمد و این را هم قبلاً در یادداشتی نوشته‌ام). در همان روزهای شروع به کار بود که شهید رجایی، بسیار ناراحت و پریشان به دفتر ما آمد و از مسئول این دفتر خواست تا گزارشی از وضعیتی که برای برخی پناهجویانی که به شیراز رفته بودند، تهیه کند و به‌سرعت به او

### برگزیده‌ها

«شرق» از فعال شدن سامانه‌های پدافندی در برخی شهرهای ایران و حمله ادعایی اسرائیل گزارشی می‌دهد

### بامداد بی‌رمق

هشدار مدیر اف‌بی‌آی درباره اقدامات هکرهای مرتبط با حکومت پکن

### زیرساخت‌های آمریکا

### در تیررس چین

### چرا «پروویلاکسی» برای بیماران هموفیلی تأمین نمی‌شود؟

چه کسی شهره موسوی را وارد فدراسیون فوتبال کرد

### کلی تبلیغ، ۷۰ رأی و ۱۰ سال زندان

گفت‌وگو با حسین و کارن کیانی درباره به صحنه بردن نمایش مجلس توبه‌نامه‌نویسی اسماعیل بزاز

### روایتی از درد پایان‌ناپذیر هنرمندان ایرانی

### یادداشت

### «آقایان تمنا می‌کنم!»



غلامرضا نظری

تحلیلگر

طی روزهای گذشته توییت فردی که خود را «بک شهروند ایرانی» معرفی کرده، با بسامدی بسیار زیاد بازنشر یافته و در شبکه‌های اجتماعی مجازی ویرال شده است. این بازتاب گسترده قبل از هر چیز به این پرسش دامن می‌زند که پیام «شهروندی عادی» و نه سلبریتی و اینفلوئنسر شخصیت و چهره، آخر حاوی چه پیامی است که به چنین رکورد بازدید و بازتوییتی دست یافته و این حد مخاطب جذب کرده است. حس کنجکاوی مردم در این سطور و اهتمام به یافتن پاسخی مناسب، او را بر آن داشت تا هم شخصیت حقیقی پیام‌نویس را بیابد و هم فحوازی پیام را بکاود. تا آنجا که به مورد نخست مربوط می‌شود، تحلیلگری را روی روی خود می‌بینیم که برخلاف کارشناس‌های سفارشی خارج‌نشین علاوه بر آنکه مستند و مستدل سخن می‌گوید، حرفی نمی‌زند که از کارفرما دلبری کند. و اما درباره فحوا و چیستی پیام، عین آن را در زیر نقل می‌کنیم:

«به عنوان یک شهروند ایرانی که در حد خودم کنار کشورم ایستادم از مسئولین بالادستی خواهش می‌کنم، التماس می‌کنم، حاضریم به دست و پاشون بپیوتم که در این شرایط کشور دست از این رفتارهای حیرت‌آور در خیابان‌ها با جوان‌های خودمان اونم درست در شرایطی که ایران دست بالا را در منطقه پیدا کرده و موازنه قدرت را به نفع خود تغییر داده بردارید.

۳۴  
ادامه در صفحه ۴

**شکرستان و زهرستان**  
گزارشی ویژه از وضعیت اقتصادی استان فارس

**رهبر و رفیق**  
گزیده‌های سخنرانی

**شکافت حکمرانی**  
گزارشی ویژه از وضعیت اقتصادی استان فارس

**آخرین دیپلمات**  
گزارشی ویژه از وضعیت اقتصادی استان فارس

**انتشارات شرق منتشر کرد**